



چهارشنبه ۲۱ خرداد ۱۴۰۴ صفحه ۱۶۰ هزار تومان • سال چهارم • شماره ۸۰۷
www.hammihaonline.ir



اصلاح آزمایشی حقوق و دستمزد

بررسی دستور اخیر رئیس جمهور
برای پرداخت حقوق کارکنان دولت بر اساس عملکرد

فالش مدعیان و کوك بی صدایان

در یاره بازار شلوغ کنسرت‌هایی
که این روزها در پایتخت در حال برگزاری است

خودتنظیم‌گیری صنفی

بررسی سامانه نظارتی بر خط پلتفرم‌های طلا
در گفت‌وگو با **مصطفی اکرمی** مدیرعامل میلی



آثار يك انتخاب

مباحثه **عباس عبدی** و **حسین قاضیان** درباره پیامدهای حضور مسعود پزشکیان

ارزیابی کارشناسان از پیشنهاد

غنی‌سازی مشترک غربی - عربی

کنسرسیوم راه حل ناممکن؟

گزارش
هسته‌ای
۶-۷



کورش احمدی نماینده پیشین ایران در نیویورک

امروز امارات متحده عربی و بحرین در چارچوب توافق‌های ابراهیم با اسرائیل رابطه دیپلماتیک دارند و همکاری‌های تجاری و حتی امنیتی انجام می‌دهند. انتظار می‌رود که عربستان هم به این معاهده بپیوندد. اگر چنین دورنمایی وجود داشته باشد، همواره این احتمال باقی می‌ماند که با توجه به مشکلات ایران و اسرائیل تنش میان ایران و عربستان سعودی بالا بگیرد. در چنین شرایطی همکاری در کنسرسیوم غنی‌سازی با این سطح حساسیت امنیتی و فنی، در دوران تنش چه وضعیتی پیدا خواهد کرد؟



نصرت‌الله تاجیک سفیر پیشین ایران در اردن

واقعیت این است که هیچ‌کس در ایران از پیشنهاد کنسرسیوم راضی نیست، از مقام‌های فنی، سیاسی و امنیتی که بگذریم، حتی کارشناسان هم این سازوکار را راضی‌کننده نمی‌دانند. اگر مخالفت علنی با این ایده بیان نمی‌شود، به این دلیل است که ایران نمی‌خواهد به عنوان مانع پیشرفت مذاکرات معرفی شود و اینگونه تبلیغ شود که ایران با ابتکارهای سازنده همکاری نمی‌کند یا در مقابل موفقیت مذاکرات مانع‌تراشی می‌کند. ادعای موافقت ایران با پیشنهاد کنسرسیوم، ادعایی گمراه‌کننده است.



شهاب شهبسوار خبرنگار گروه دیپلماسی

مقام‌های ایران به صراحت گفته‌اند که ایده کنسرسیوم نباید به معنای جایگزینی برای برنامه غنی‌سازی بومی ایران باشد. مسئله کنسرسیوم غنی‌سازی، موضوعی نیست که مختص به مذاکرات هسته‌ای ایران باشد. به دلیل عدم صرفه اقتصادی تولید اورانیوم غنی‌شده در ابعاد کوچک، در حال حاضر در دنیای نمونه‌هایی از کنسرسیوم‌های چندجانبه و همچنین بانک‌های سوخت هسته‌ای وجود دارند که با هدف تأمین سوخت هسته‌ای برای چندین کشور با استفاده از تأسیسات متمرکز و سرمایه‌گذاری یکجا ایجاد شده‌اند.

گزارش
سیاست
۲۰۳

سکوت مومنانه تندروها

بررسی واکنش روزنامه‌های اصولگرا به بازداشت بستگان کاظم صدیقی

استعفا کردیم، ولی حاضر نیستند که بگویند شهردار قم از ده سال پیش شهردار بوده و قانون ضدتوسعه‌نحوه انتصاب اشخاص در مشاغل حساس نیز در سال ۱۴۰۱ یعنی سه سال پیش تصویب و ابلاغ شده است، پس چرا همان زمان ابلاغ قانون برگذار نشد و اکنون پس از سه سال این کار را کردید؟ روشن است که مسئله سیاسی شده که او را برداشتند؛ و این قانون ابزاری در دست سیاست‌بازی تندروها است. شعار عدالت در ایران حداقل در ۲۰ سال گذشته به بدترین شکل، لوٹ و مبتذل شده است. سر دادن شعار عدالت برای تندروها تبدیل به دکانی دوشین برای رانت‌خواری و منحرف کردن جامعه از مسائل اصلی کشور است. به همین دلیل است که هرگاه این جماعت عهده‌دار کاری شدند، شاخص فساد صعودی شد. بازتاب مشهود این رفتار دوگانه آنان را در رسانه‌های تندروها می‌توان دید. آنها با سکوت خود و عدم پرداختن متناسب با ارزش خبری بازداشت پسر و عروس آقای صدیقی سعی کردند که ماجرا را بی‌اهمیت جلوه دهند و حتی از امام جمعه تهران نیز نخواستند برای حفظ جایگاه نماز جمعه از این مقام استعفا دهد. مسئله تندروها

سرمقاله

دکانی به نام عدالت

نه عدالت است و نه توسعه و نه خواهان آرامش مردم و جامعه هستند. آنان فقط درد بی درمان قدرت را دارند. دردی که در مان‌پذیر نیست و مثل تشنه‌ای که از آب دریا بخورد، هرچه بیشتر بخورد، تشنه‌تر می‌شود. بهترین خدمت به آنان دور کردن دست آنان از قدرتی است که هیچ‌گاه آنان را سیر نمی‌کند. آنان تاکنون چوب حراج را بر همه چیز زده‌اند. اسلام، نماز، جمعه، اخلاقیات، روحانیت، انقلاب و... ولی ظلم آنان از طریق رفتار ظالمانه و مفسدانه به مفهوم و کلمه «عدالت» آخرین کوشش تندروها است که نباید اجازه داد موفق شوند. امیدواریم با تداوم اقدامات قضایی بی‌طرفانه، دیگر پرونده‌های قضایی افراد مشابه نیز باز و رسیدگی شود. پاشنه آشیل تندروها پرونده‌های مالی آنان است.

یکی از مهمترین لقلقه‌های زبانی تندروها از سال‌ها پیش، «عدالت» بود و اگر خجالت نکشند، همچنان و در آینده هم تکرار می‌کنند. منظورشان از عدالت نیز خیلی ساده انگارانه و صرفاً هم از منظر اقتصادی و یک نوع توزیع مساوی ثروت است که هیچ‌نگاهی به تولید ثروت هم ندارد. عدالت برای آنان ابزار است. هرگاه یکی از مخالفان‌شان متهم به فساد حتی کوچک شود، از هر جهت به او می‌تازند و حتی در صورت تبرئه و رد اتهامات، باز هم به فضا سازی‌ها و تکرار ادعاهای خود ادامه می‌دهند. مبارزه با فساد ابزار سیاسی آنان است. صدا را بی‌پایورید که چه تیتراها که در باره مبارزه قضایی با فساد در ریاست قبلی قوه قضائیه زدند و بعد معلوم شد بسیاری از آن احکام نقض و رد شده است و همه آنها برنامه‌ای برای سیاست و انتخاباتی بود. رفتار دوگانه آنان هنگامی آشکار می‌شود که یکی از همفکران خودشان تحت اتهام قرار گیرد که در این صورت، سکوت مرگباری را پیشه می‌کنند؛ گویی در نیمه‌شب قبرستان زندگی می‌کنند. صدا از مرده‌ها درآید، از این جماعت در نمی‌آید. درباره فساد جای دیش که رکورد همه فسادهای تاریخ را زد، سکوت کردند. سپس در باره باغ اژگل که همه چیز آن به‌ویژه تناقضات گفتاری برخی افراد بسیار روشن بود، سکوت و حتی توجیه کردند. اکنون هم که فرزند و عروس آقای صدیقی بازداشت شده‌اند، باز هم ترجیح می‌دهند که سکوت یا ماسک‌مالی کنند. نمونه‌های دیگر هم هست. این جماعت برای وزیر نشدن یک جوان و نخبه اقتصادی به قانون ضدتوسعه‌ای متوسل می‌شوند که چرا فرزند او در خارج به دنیا آمده، ولی اصلاً برایشان مهم هم نیست که املاک عمومی مردم در تصرف شخصیت محبوبشان و خانواده اوست و دچار چنین جایه جایی و... شده است. برای آنان حضور چنین فردی در این پست و جایگاه جای نگرانی ندارد. برای اثبات بی‌طرفی خود می‌گویند که ما شهردار قم را هم به دلیل تابعیت غیر ایرانی فرزندش برکنار و مجبور به

دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا در جریان کنفرانس خبری خود در کاخ سفید در پاسخ به پرسشی درباره «تیراندازی نیروهای اسرائیلی به سمت قایق حامل کمک‌های انسان‌دوستانه به مردم نوار غزه» گفت: «غزه اکنون در میانه مذاکرات گسترده‌ای میان ما، حماس و اسرائیل قرار دارد و ایران هم در این مذاکرات دخالت دارد. بینیم چه اتفاقی در غزه می‌افتد. مامی خواهیم گروگان‌ها را آزاد کنیم.» این عبارت بازتاب بسیار گسترده‌ای در رسانه‌های فارسی‌زبان پیدا کرد، زیرا اشاره ترامپ به «دخالت ایران» در مذاکرات مربوط به غزه، نه فقط جذابیت خبری فوق‌العاده‌ای دارد بلکه در صورت صحت، گوشه‌ای از امری به شدت محرمانه را افشامی کند. در واقع تاکنون هیچ منبع خبری، به دخالت ایران در تماس‌های مستقیم و غیر مستقیم حماس با آمریکا و اسرائیل برای استقرار آتش بس در غزه و آزادی گروگان‌های اسرائیلی اشاره‌ای نداشته و چنین اتفاقی با مواضع رسمی و علنی جمهوری اسلامی نیز از هر جهت در تضاد است. جمهوری اسلامی از «مبارزه مسلحانه» گروه‌های فلسطینی بخصوص حماس و جهاد اسلامی علیه اسرائیل به صراحت دفاع می‌کند و معمولاً آنان را به مقاومت و سرسختی بیشتر در برابر «اشغالگران قدس» فرا می‌خواند. بر این اساس، اگر قرار به دخالت ایران در مذاکرات مربوط به نوار غزه باشد، این دخالت منطقاً نمی‌تواند چیزی جز توصیه به سازش‌ناپذیری و پافشاری بر مواضع اعلام شده از سوی حماس باشد. بدین ترتیب نه فقط هیچ دلیلی وجود ندارد که دولت ترامپ خواهان دخالت جمهوری اسلامی در مذاکرات مربوط به نوار غزه باشد بلکه صورت منطقی ماجرا این است که آمریکا بکوشد محافل ایرانی را از رویدادها و روندهای مربوط به پیشبرد دیپلماسی در نوار غزه هر چه بیشتر دور کند. به رغم این، ترامپ از «دخالت ایران در مذاکرات گسترده میان آمریکا، حماس و اسرائیل



احمد زیدآبادی
نویسنده و مشاور هم‌میهن

بر سر غزه» سخن به میان آورده است. آیا او دچار لغزش زبان شده است؟ و اگر نشده باشد، معنی سخن او چیست؟ معنی سخن ترامپ در صورت صحت ادعایش این است که جمهوری اسلامی به صورتی فوق محرمانه درگیر مذاکراتی شده است که به اعلام آتش بس در نوار غزه و آزادی اسیران اسرائیلی کمک می‌کند. در این حوزه اما چه کمکی از ایران ساخته است؟ روشن است که تهران بر گروه حماس نفوذ دارد و اگر این نفوذ را در جهت متقاعد کردن حماس به نشان دادن نرمش سیاسی و نظامی به قصد دستیابی به یک فرمول آتش بس در جنگ غزه و آزادی اسیران اسرائیلی به کار گیرد، به‌طور قطع کمک مؤثری به دستیابی به دو هدف فوق خواهد کرد. چنین دخالتی اما مستلزم تغییرات بنیادی در سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی و در واقع چرخش از سیاست مقابله و تعارض با آمریکا و متحدان آن در خاور میانه به سمت سیاست همکاری با آنان است! چنین تحولی برای یک ناظر بی‌طرف از هر جهت «شوکه‌کننده» است چرا که در عرصه سیاست رسمی و علنی نشانی از چنین تحولی به چشم نمی‌خورد. اگر سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی دچار چنین تحول بنیادی شده باشد، قاعدتاً ما به ازای آن باید در مذاکرات ایران و آمریکا از یک سو و سیاست تبلیغاتی اسرائیل از سوی دیگر مشاهده شود. این اما در حالی است که ترامپ در مصاحبه مطبوعاتی خود بر مخالفت کاخ سفید با هرگونه غنی‌سازی اورانیوم در خاک ایران به عنوان بخشی از توافق احتمالی با ایران تأکید کرد و هیچ نوع نرمشی در این باره نشان نداد. **ع**

ضربه به گنج‌گاه تل‌آویو

بررسی عملیات
انتقال اسناد اسرائیل به ایران
و اطلاعاتیه وزارت اطلاعات

گزارش
امنیت
۲۰۳